

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، بهار و تابستان ۱۴۰۲  
دوره ۱۶، شماره ۱ (پیاپی ۳۰)، صفحات: ۱۲۷-۱۵۰  
مقاله علمی پژوهشی

## مترجمان و شارحان کاشانی نهج البلاغه (سده‌های ششم تا دهم هجری)

مرتضی امامی\*

### چکیده

سنت شرح‌نویسی بر متون دینی از قدیم‌الایام رایج بوده و در این میانه، شرح‌نویسی بر نهج‌البلاغه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به‌رغم آنکه محققان، قرن ششم را دوران رکود علمی شیعی برشمرده‌اند، شکوفایی دوران کتابت و شرح‌نویسی نهج‌البلاغه با اهداف حفظ و صیانت از میراث شیعی، توضیح واژگان دشواریاب، شرح مبانی کلامی، فلسفی، تبیین حوادث تاریخی، ذکر نکات ادبی و بلاغی، گسترش فرهنگ معنوی، نقد آراء شارحان پیشین و همچنین نقد و بررسی اسنادی احادیث، در همین قرن اتفاق افتاده و کاشان در سابقه تاریخی خود و در قرن‌های ششم تا دهم، به دلیل داشتن عالمانی چون سید ابوالرضا ضیاء‌الدین، فضل‌الله حسینی راوندی، قطب‌الدین راوندی و ملا فتح‌الله کاشانی، حوزه مهمی در بسط و ترویج معارف نهج‌البلاغه بوده است. شرح نهج‌البلاغه ابوالرضا راوندی در قرن ششم به‌عنوان اولین شرح نهج‌البلاغه شهرت یافته و منهاج البراعه از سعید بن هبش‌الله راوندی کاشانی معروف به قطب راوندی در همان قرن و همچنین تنبیه الغافلین و تذکرة العارفين ملا فتح‌الله کاشانی در قرن دهم، پایه و مستند دیگر شروع نهج‌البلاغه در سایر قرون بوده است. این مقاله با رویکردی توصیفی، تحلیلی و مقایسه‌ای و با استفاده از منابع و نسخ قدیمی و خطی موجود، به بررسی آثار و شرح‌حال مترجمان و شارحان نهج‌البلاغه در فاصله سده‌های ششم تا دهم هجری با تأکید بر شارحان کاشانی پرداخته است. اینکه اولین شرح نهج‌البلاغه [با توجه به شرح‌های مختصر لابه‌لای سطور] متعلق به ابوالرضا فضل‌الله کاشانی است، و اینکه شروع قطب راوندی و ملا فتح‌الله کاشانی نقش مؤثری در بسط و ترویج آموزه‌های حکمی، ادبی و بلاغی قرن‌های ششم تا دهم داشته‌اند، ازجمله نتایج و دستاوردهای این مقاله است.

**کلیدواژه‌ها:** نهج‌البلاغه، شارحان و مترجمان کاشانی، سید فضل‌الله راوندی، قطب راوندی، ملا فتح‌الله کاشانی.

\* استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران / emami@kashanu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۶

## ۱. مقدمه

از هنگام تدوین *نهج‌البلاغه* توسط شریف رضی (م ۴۰۶ق) تاکنون، اندیشمندان اسلامی در حوزه‌های گوناگون ادب، اخلاق، عرفان، حکمت، فلسفه و کلام، علوم سیاسی و اجتماعی، مدیریت اسلامی و...، *نهج‌البلاغه* را به‌عنوان یکی از منابع استنادی خویش مورد توجه قرار داده‌اند. در میان این رویکردهای گوناگون، سنت‌کتابت، ترجمه و شرح‌نویسی بر *نهج‌البلاغه* قدمتی طولانی دارد؛ تا آنجا که پس از قرآن کریم در میان متون دینی شیعی، تقریباً هیچ کتاب دیگری به‌اندازه *نهج‌البلاغه* موضوع ترجمه و شرح و تفسیر قرار نگرفته است (بروجردی، ۱۳۸۰: ۱۲۶).

کاشان در سابقه تاریخی خود و در حوزه *نهج‌البلاغه*، آثار گران‌سنگ و فاخری به یادگار نهاده و علامه سید فضل‌الله راوندی (م ۵۷۰ق) و قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ق) جزو اولین عالمان کاشانی هستند که به شرح این کتاب ارزشمند پرداختند و ترجمه ملا فتح‌الله کاشانی (م ۹۸۸ق) در دوره صفویه که نهضت ترجمه و فارسی‌نویسی رواج داشت، به‌عنوان یکی از اولین مترجمان فارسی *نهج‌البلاغه* شهرت یافته است.

اولین ترجمه فارسی *نهج‌البلاغه* را یکی از علمای قرن ششم هجری تألیف کرده و معنای فارسی کلمات را در زیر عبارات عربی آورده است (پاک‌نیا، ۱۳۷۹: ۷۶). این ترجمه با تحقیق دکتر عزیزالله جوینی در سال ۱۴۰۸ق، در دو جلد به چاپ رسیده است. دکتر جوینی می‌نویسد: «این نسخه گران‌بها را شاه‌عباس صفوی در سال ۱۰۱۷ و قف حرم مطهر رضوی (ع) کرده است.» (همان‌جا). ترجمه فارسی اردبیلی نیز توسط حسین بن شرف‌الدین اردبیلی (م ۹۵۰ق) معاصر شاه‌اسماعیل صفوی ترجمه شده است. وی در این ترجمه، از *منهاج البراعه* قطب راوندی و شرح *نواب لاهیجی* بهره گرفته است. این کتاب در سال ۱۳۵۵ در «مطبعة اخوان کتابچی» به چاپ رسیده و در حاشیه دیوان منسوب به امیرالمؤمنین (ع) با ترجمه میبدی نیز نوشته شده است. در این کتاب ترجمه فارسی با خط ریز در زیر متن اصلی آمده است (همان: ۷۷). *تنبيه الغافلین* و *تذکره العارفین* اثر ملا فتح‌الله کاشانی (م ۹۸۸ق) نویسنده تفسیر *منهاج الصادقین* نیز از جمله اولین شروح فارسی علمای کاشانی شیعی در دوره صفویه است.

شرح‌نویسی که در قرن ششم پایه‌های آن توسط سید فضل‌الله راوندی و قطب‌الدین راوندی نهاده شد، در قرن هفتم توسط دانشمند و فیلسوف بزرگ شیعی، ابن‌میثم بحرانی (م ۶۷۹ق) با نگارش شرح *نهج‌البلاغه* به زبان عربی ادامه یافت و در قرن هفتم با شرح *نهج‌البلاغه*

ابن‌ابی‌الحدید (م ۶۵۶ق) پی گرفته شد و تا قرن دهم با تألیف شرح فارسی تنبیه الغافلین و تذکره العارفين توسط ملا فتح‌الله کاشانی (م ۹۸۸ق) ادامه یافت. اینکه شهرت نخستین شرح نهج‌البلاغه از آن چه کسی است و همچنین شارحین صاحب‌نام کاشانی در بسط آموزه‌های حکمی و هنری نهج‌البلاغه چه نقشی داشته‌اند، از جمله مسائلی است که این مقاله با نگاهی تحلیلی و توصیفی و با سیری در منابع تاریخی و متون روایی و نسخ خطی، و با رویکردی روش‌شناسانه بر ترجمه‌ها و شروح مترجمان سده‌های ششم تا دهم هجری و با تأکید بر شارحان کاشانی نهج‌البلاغه به آن پرداخته است.

## ۲. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌ها و مقالات متعددی درخصوص هریک از عالمان کاشانی نهج‌البلاغه به‌طور جداگانه صورت گرفته است؛ از جمله: «سید ابوالرضا راوندی کاشانی عربی‌سرا» (اقبال، ۱۳۸۴)، «کاوشی درباره سید ابوالفضل راوندی و روایت کتاب الصحاح فی اللغة» (جزینی ڈرچه، ۱۴۰۰ش)، «روش‌شناسی منهج البراعه قطب راوندی» (حاجیان حسین آبادی، ۱۳۹۴)، «قطب راوندی و شرح منهج البراعه» (قاسم‌پور، ۱۳۸۴) و «روش واژه‌شناسی قطب‌الدین راوندی در شرح نهج‌البلاغه» (موسوی و مردانی، ۱۳۹۷)؛ لکن تاکنون نگاهی مجموعی و تتبعی جمعی به نقش این شارحان در قرن‌های ششم تا دهم، که به‌زعم برخی از مورخان دوره افول آثار و معارف شیعی به حساب آمده، و نیز تأکید بر ویژگی‌های اختصاصی هریک از این شروح که جزو آثار فاخر شهر کاشان هستند، مشاهده نشده است.

## ۳. عوامل فرهنگی و سیاسی رویکرد به شرح‌نویسی نهج‌البلاغه در قرن‌های ششم تا

### دهم

سنت شرح‌نویسی بر متون دینی و کتاب‌های مقدس ادیان مختلف قدمتی طولانی دارد و در تاریخ اسلام، پس از قرآن کریم شاید هیچ کتاب مقدس دیگری، به‌سان نهج‌البلاغه مورد شرح و تفسیر قرار نگرفته است. شارحان نهج‌البلاغه با انگیزه‌های گوناگون اقدام به شرح‌نویسی کرده‌اند و عوامل و زمینه‌های گوناگونی نظیر عوامل سیاسی، توسعه آموزه‌های عدالت‌محور، آداب حکمرانی، بسط و ترویج فرهنگ و اعتقادات مردم و آشنایی آنان با آموزه‌های دینی و همچنین بیان نکات ادبی و بلاغی با شرح مفردات و نکات بلاغی، موجب رشد و توسعه شرح‌نویسی نهج‌البلاغه گردیده است.

هرچند برخی قرن ششم را دوره رکود دانش‌های حدیثی شیعه دانسته‌اند (مسعودی خمینی،

۱۳۹۱: ۱۲)، در ریشه‌یابی این ادعا باید توجه داشت هم‌زمان با پیشرفت دولت سلجوقی و تشکیل حکومتی متمرکز و نیز از بین رفتن حکومت‌های محلی، رقابت‌های مذهبی در میان عالمان مسلمان شدت بیشتری یافت؛ پادشاهان سلجوقی تازه‌مسلمان و غالب خلفای بغدادی حنفی‌مذهب، با محدود کردن دامنه فعالیت سایر مذاهب، سعی کردند در سراسر حوزه قلمرو سلجوقیان وحدت مذهبی ایجاد کنند (کسری و بهارزاده، ۱۳۹۵: ۱۴۶). حکومت سنی‌مذهب بغداد که از سقوط رهایی یافته بود، تلاش نمود تا از پیشرفت شیعیان جلوگیری به عمل آورد (دبیری‌نژاد، ۱۳۸۴: ۵۷). این دوره، اوج قدرت مذاهب اهل سنت و اشاعه آن به شمار می‌رود (زیدان، ۱۳۸۴: ۸۲۲).

باینکه گسترش قلمرو سرزمین‌های اسلام در عصر سلجوقیان از دیدگاه نظامی پیشرفت‌های بسیاری در پی داشت، گروه‌ها و جریان‌های خردورز، دوره افول خود را سپری می‌کردند، و شیعیان اثنی‌عشری و اسماعیلیان و معتزلیان، از جمله این گروه‌ها بودند که مورد مخالفت و دشمنی امیران و وزیران و فقهای اهل سنت قرار می‌گرفتند. در عین حال به‌رغم این مشکلات، شیعیان امامیه برای حفاظت از خود، به نوعی حرکت سیاسی فرهنگی روی آورده و به اقداماتی نظیر به دست آوردن پست‌های کلیدی، نفوذ در ساختار قدرت، همراهی با اسماعیلیان در مخالفت با فرق اهل سنت و احیاناً تقیه، وارد نشدن در منازعات فرقه‌ای و نیز تلاش در نشر مکتب اثنی‌عشریه و جذب و جلب پیروان بیشتر دست زدند (کسری و بهارزاده، ۱۳۹۵: ۱۴۷)؛ از جمله این اقدامات ایجاد زمینه و فرصت شرح‌نویسی بر نهج‌البلاغه را نیز می‌توان برشمرد. به یمن این اقدامات، اکنون وارث شرح‌های گوناگونی بر نهج‌البلاغه هستیم که به‌رغم داشتن مزایا و کاستی‌ها، جملگی بخشی از فرهنگ و متون فاخر و مکتوب فرهنگ اسلام به شمار رفته و نقش حفاظت از آن را بر عهده گرفته‌اند.

#### ۴. سیری اجمالی در شرح‌های معروف نهج‌البلاغه در قرن‌های ششم تا دهم

نخستین فردی که نهج‌البلاغه را مورد دقت و بررسی قرار داد و کلمات مشکل آن را شرح و تفسیر نمود و تفسیرهای او در ذیل بعضی از خطب، در نهج‌البلاغه‌های مطبوع وارد آمده، سید شریف رضی (ره) بوده است؛ لکن نهضت کتابت، ترجمه و شرح نهج‌البلاغه با توجه به مستندات ذیل از قرن ششم هجری آغاز گردیده و تاکنون ادامه داشته است. دانشمندان مشهوری که در سده‌های ششم تا دهم هجری بر نهج‌البلاغه شرح نوشته و از متقدمان شمرده می‌شوند، عبارت‌اند از: قاضی عبدالجبار معتزلی (۳۵۹-۴۱۵ق)، سید فضل‌الله راوندی (م ۵۷۰ق)، قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ق)،



مترجمان و شارحان کاشانی نهج البلاغه (سده‌های ششم تا دهم هجری)، مرتضی امامی

10.22052/KASHAN.2023.252507.1075

قطب‌الدین بیهقی کیدری (زنده در ۵۷۶ق)، علی بن ناصر سرخسی نیشابوری (م بین ۶۲۲ تا ۶۲۵ق)، ابن طاووس حلی (۵۸۹-۶۶۴ق)، ابن‌ابی‌الحدید (۵۸۶-۶۵۶ق)، ابن‌میثم بحرانی (۶۳۶-۶۹۹ق)، علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶ق)، ملا فتح‌الله کاشانی (م ۹۸۸ق)، علامه کرکی (م ۹۴۰ق)، علی بن حسین زواره‌ای (م ۹۶۰ق). همچنین برخی از متأخرانی که بر نهج‌البلاغه شرح و یا فهرست نوشته‌اند، عبارت‌اند از: سید حبیب‌الله خویی (م ۱۳۲۴ق)، ملا صالح قزوینی (م ۱۲۷۱ق)، محمد عبده (م ۱۳۲۳ق) و محمدحسن نائل میرصفی (م ۱۹۳۵م).

در فاصله قرن ششم تا قرن دهم، کتابت‌های معروف علمای خطه کاشان، با دو شرح نهج‌البلاغه سید فضل‌الله راوندی در قرن ششم و منهاج البراعه فی شرح نهج‌البلاغه از قطب‌الدین راوندی آغاز گردید و تا قرن دهم با شرح ملا فتح‌الله کاشانی تداوم یافت.

شخصیت کم‌نظیر سید فضل‌الله راوندی در قرن ششم، خدمات فراوانی به تشیع و میراث حدیثی شیعه نموده و در نقل آثار شیخ طوسی نقش مؤثری داشته است. شرح و تصحیح میراث حدیثی شیعه نیز بخشی دیگر از خدمات سید فضل‌الله راوندی است؛ تا آنجا که برای تصحیح کتب حدیثی شیعه، کاشان را به محل آمد و رفت سایر محدثان تبدیل کرده بود. به عقیده برخی از پژوهشگران، کتب مهمی همچون *امالی* سید مرتضی، شرح نهج‌البلاغه، *خصائص الأئمة و تلخیص البیان* سید رضی، *رساله اهوازیه*، *کتاب من لا یحضره الفقیه و امالی* شیخ صدوق با اجازت سید فضل‌الله راوندی بوده است (قاسم‌پور و سلامی، ۱۳۹۸: ۷۲).

شرح منهاج البراعه قطب راوندی نیز اگرچه به گستردگی برخی شروح دیگر نیست، به‌لحاظ برخوردار از ویژگی‌های ادبی و بلاغی و نیز برخوردار از نظریات کلامی شیعی، مورد توجه کسانی چون ابن‌ابی‌الحدید قرار گرفته است که بدان اشاره خواهد شد.

ملا فتح‌الله بن شکرالله کاشانی هم از مفسران و عالمان کاشانی شیعه در دوره شاه‌طهماسب صفوی و شاگرد علی بن حسن زواره‌ای صاحب تفسیر *ترجمه الخواص* بوده است (امین، ۱۴۲۱ق، ج ۸: ۳۹۳). برخی از عناوینی که در کتب تراجم از این شخصیت یاد شده عبارت‌اند از: *المولی المفسر* (آق‌بزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۳: ۱۹۴، ج ۷: ۲۳۴ و ج ۱۲: ۲۲)، *فقیه*، *متکلم*، *عالم کامل* جلیل (موسوی خوانساری، ۱۳۹۰، ج ۵: ۳۴۵)، *متبحر در تمام علوم دینی* (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۵: ۲۰)، *عالم به لغات و ادبیات و اصول و جامع معقول و منقول* (کاشانی و کاشانی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۸۱).

نویسنده ریاض می‌گوید: «شرح نهج‌البلاغه ملا فتح‌الله کاشانی که تنبیه الغافلین و تذکره

العارفین نامیده شده، شرح فارسی است که من در اصفهان، شیراز، هرات و جاهای دیگر دیده‌ام» (افندی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۳۱۸). آقابزرگ نیز در *الذریعه* ضمن معرفی این اثر می‌نویسد: آغاز شرح چنین است: «الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله» (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۴۴۷).

### ۵. شارحان و مترجمان کاشانی نهج‌البلاغه (قرن‌های ۱۰-۱۱ق)

برخی از پژوهشگران، احمد بن محمد وبری (ق ۶) را به‌عنوان نخستین شارح *نهج‌البلاغه* نام برده و گروهی سید فضل‌الله راوندی را اولین شارح دانسته‌اند؛ لکن با توجه به مستندات و شواهد تاریخی ذیل، می‌توان قول دوم را ارجح دانست. در ادامه به معرفی کامل‌تر سه شخصیت برجسته کاشانی که محور بررسی و تحقیق این مقاله هستند، پرداخته می‌شود.

### ۱- ضیاء‌الدین ابوالرضا فضل‌الله الراوندی القاسانی (م ۵۷۰ق)، نخستین شارح *نهج‌البلاغه*

شهر کاشان در قرن ششم به یمن وجود سید فضل‌الله راوندی، مرکزیت علمی در عراق عجم یافته و سید ابوالرضا فضل‌الله راوندی بیشتر عمر خود را در کاشان و در مدرسه «مجدیه» به تدریس مشغول بوده است. علامه مجلسی (ره) در *بحار الانوار* از شرح *نهج‌البلاغه* سید ابوالرضا راوندی یاد می‌کند و با القابی خاص درباره وی می‌گوید: «أخبرنا السيد الامام، ضياء الدين سيد الأئمة، شمس الاسلام، تاج الطالبيه، ذوالفخرين، جمال آل رسول الله (ص) أبو الرضا، فضل الله بن علي بن عبيدالله الحسنی الراوندی حرس الله جماله، وأدام فضله...» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۵۴). عبدالکریم بن محمد سمعانی (م ۵۶۲ق) نیز در کتاب *الانساب* در ذیل عنوان «القاسانی» یعنی کاشان امروز، از سید ابوالرضا راوندی یاد کرده است (سمعانی، ۱۳۸۲، ج ۱۰: ۲۹۷).

برخی از پژوهشگران معتقدند که سید ابوالرضا فضل‌الله راوندی را می‌توان اولین شارح *نهج‌البلاغه* قلمداد کرد؛ زیرا دیگران بعدها شرح او را تکمیل نموده و در زمره اولین شارحان معرفی شده‌اند؛ علی بن ابوالقاسم زید بیهقی (ابن فندق) در سال ۵۵۲ق شرح خود را به پایان رسانده و به‌عنوان اولین شارح *نهج‌البلاغه* معرفی شده؛ درحالی‌که فضل‌الله بن علی راوندی، نسخه اصلی *نهج‌البلاغه* به خط سید رضی را در سفر خود به بغداد در اختیار داشته ملاحظه کرده و تعلیقاتی بر آن نوشته و جمله‌ها و کلمه‌های دشوار آن را شرح داده و در ربیع‌الاول ۵۱۱ق و از روی آن برای خود نسخه‌ای استنساخ کرده است (قاسم‌پور و سلامی، ۱۳۹۸: ۶۹).

مرحوم آقابزرگ تهرانی معتقد است که این شرح، اولین شرح بر *نهج‌البلاغه* است (آقابزرگ



مترجمان و شارحان کاشانی نهج البلاغه (سده‌های ششم تا دهم هجری)، مرتضی امامی

10.22052/KASHAN.2023.252507.1075

تهرانی، ۴۰۸ق، ج ۱۴: ص ۱۴۳). همچنین برابر نسخه‌ای که در دست است، در سال (۱۳۲ق)، محمدصادق بن محمد شفیع یزدی از روی نسخه ابوالفتوح احمد بن ابی عبدالله بلکو بن ابی طالب آوی، و او از روی نسخه سید فضل‌الله تحریر نموده که حواشی فضل‌الله راوندی در آن نقل شده است (بروجردی، ۱۳۸۰: ۱۲۷).

از آنجاکه راوندی در روند مقابله نسخه‌ها و در لابه‌لای سطرها، واژگان دشوار را به‌گونه‌ای مختصر توضیح داده که در اغلب موارد به شرح لغوی بیشتر شباهت دارد، می‌توان حدس زد شاید کسانی که سید فضل‌الله را اولین شارح نهج البلاغه ندانسته‌اند، این توضیحات کوتاه و اغلب لغوی در لابه‌لای سطور را شرح مستقلاً ندانسته‌اند؛ ولی اگر همین توضیحات و مطالب لغوی سید فضل‌الله را شرح بنامیم، بی‌گمان او نخستین شارح نهج البلاغه است.

#### ۲.۵. ارجحیت نسخه‌هایی که به روایت ابوالرضا ابوالفضل راوندی است

بررسی نسخه‌های بسیار کهن آثار سید مرتضی (ره) و شریف رضی (ره) دلالت بر این دارد که ابوالرضا ابوالفضل راوندی تحریرهای کامل‌تری از آثار این دو برادر را در اختیار داشته است؛ وی از تحریرهای نهایی و کامل‌تر کتاب‌ها نسخه‌برداری کرده و بر این اساس در تصحیح آثار این دو برادر، باید همواره نسخه یا نسخه‌هایی را که به روایت ابوالرضا راوندی است، ارجح و تمام‌تر دانست. محدث نوری، سید ابوالرضا را از مشایخ بزرگی می‌داند که اکثر اسانید اجازات به او منتهی می‌شود (محدث نوری، ۴۰۸ق، ج ۱: ۱۷۳).

تاکنون دو نسخه از نهج البلاغه را بازشناخته‌اند که در آن‌ها توضیحات و حواشی سید فضل‌الله، مانند اصل نسخه وی، در میان سطور نوشته شده و ویژگی‌های آن‌ها چنین است:

الف. نسخه شماره ۲۷۳ کتابخانه آیت‌الله نجفی مرعشی. این نسخه را محمدصادق بن محمد شفیع یزدی در سال ۱۳۲ق، از روی نسخه ابوالفتوح احمد بن ابی عبدالله بلکو بن ابی طالب آبی نوشته است. ابوالفتوح نیز نسخه‌اش را از روی نسخه سید فضل‌الله نوشته است.

ب. نسخه شماره ۵۰۴۶ کتابخانه رامپور هند. این نسخه را عبدالجبار بن حسین ابی‌القاسم فراهانی از روی نسخه سید فضل‌الله نوشته و در ۱۹ جمادی‌الاول سال ۵۵۳ به پایان رسانیده است. میکروفیلم این نسخه به شماره ۷۰۴۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (دانش‌پژوه، ۱۳۵۳، ج ۳: ۱۲۶).

در کتابخانه «المتحف العراقی» هم نسخه‌های نفیس و کهنی از نهج البلاغه وجود دارد که در فهرست منتشرشده آن کتابخانه با عنوان مخطوطات الأدب فی المتحف العراقی معرفی شده‌اند. در



میان این نسخه‌ها، نسخه شماره ۳۷۸۴، نسخه مهمی است که شخصی به نام محمد بن حسن بن محمد بن عباس بن نازویه قمی در ۵۵۶ کتابت کرده و آن را بر سید ابوالرضا ابوالفضل راوندی در سال ۵۷۱ هجری خوانده است (همان‌جا).

وقتی افرادی همچون محمد نازویه قمی، برای مقابله نسخه نهج البلاغه خود، به نزد بزرگانی از حوزه‌های مهم حدیثی آن روزگار، همچون نیشابور و ری بسنده نکرده و به کاشان سفر می‌کند تا از نسخه این محدث کاشانی بهره ببرد؛ و یا هنگامی که از یکی از شاگردان سید ابوالرضا به نام جمال‌الدین علی بن محمد القمی المتطبب، شرح نهج البلاغه راوندی را با اجازه از او روایت می‌کند ولی نسخه خود را پس از وفات سید ابوالرضا در سال ۵۸۹ هجری بر فرزند او، عزالدین مرتضی علی بن فضل‌الله راوندی قرائت می‌کند، اهمیت نسخه نهج البلاغه فضل‌الله راوندی، نزد محدثان بزرگ آن دوره مشخص می‌گردد (قاسم‌پور و سلامی، ۱۳۹۸: ۶۹).

از دیگر نسخه‌های نهج البلاغه که اکنون می‌دانیم از روی نسخه ابوالرضا راوندی نوشته شده یا با نسخه‌ای که مشتمل بر حواشی وی بر نهج البلاغه بوده، مقابله شده، نسخه کهن کتابت‌شده توسط یکی از شاگردان کمتر شناخته‌شده ابوالرضا راوندی، یعنی برهان‌الدین محمد بن محمد بن علی حمدانی قزوینی است. نسخه اخیر در جمادی‌الاولی (۵۷۵ هجری) اندکی بعد از درگذشت فضل‌الله راوندی کتابت شده است (نفیسی، راستکار و حائری، ۱۳۹۰، ج ۲۹: ۱۷۴-۱۷۹). از شرح نهج البلاغه سید ابوالرضا ابوالفضل راوندی، ابن‌عتایقی حلی (م ۷۸۸ هجری) در شرح خود بر نهج البلاغه استفاده کرده و این شرح تا قرن هشتم نیز موجود بوده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۱۴: ۱۴۳).

### ۳-۵. قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ هجری)، اولین شارح علمی ادبی نهج البلاغه

سعید بن عبدالله بن حسین راوندی مشهور به قطب‌الدین و قطب راوندی، از مترجمان و شارحان مشهوری است که کتاب منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه را که به‌گمان برخی، اولین شرح علمی و ادبی نهج البلاغه به شمار می‌رود، در اواخر شعبان ۵۵۶ هجری، نگاشته که بعدها این شرح مأخذ و مصدر شروح بعدی نهج البلاغه قرار گرفت و قطب‌الدین کیدری در حدائق الحقائق و علی بن ناصر در اعلام نهج البلاغه و در شرح ابن‌ابی‌الحدید، متعرض آرای وی شده‌اند (بروجردی، ۱۳۸۰: ۱۳۰).

قطب راوندی، معروف به قطب‌الدین سعید بن عبدالله بن حسین بن هبة‌الله راوندی کاشانی،



محدث، مفسر، متکلم، فقیه، فیلسوف و مورخ شیعه از شاگردان شیخ طبرسی (صاحب تفسیر مجمع البیان) در قرن ششم هجری است. پدر و جد قطب‌الدین، از عالمان و برجستگان آن دیار بوده‌اند (امین، ۱۴۲۱ق، ج ۷: ۲۶۰). مجموعه آثار وی نزدیک به ۶۰ کتاب و رساله است که مهم‌ترین اثر وی در حوزه نهج البلاغه منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه است. این کتاب که هم عنوان با شرح نهج البلاغه میرزا حبیب‌الله هاشمی خویی (م ۱۳۲۴ق) می‌باشد، شرحی فارسی بر نهج البلاغه است که در سال (۹۳۰ق) به نام شاه‌اسماعیل صفوی تألیف شده و در زمرة اولین کتاب‌های علوم و معارف شیعی در عصر صفوی است.

#### ۴-۵. آشنایی اجمالی با کتاب منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه قطب راوندی

قطب راوندی که در آغاز، شرح مفصلی بر خطبه اول نهج البلاغه نگاشته بود، تصمیم گرفت تمام کتاب را شرح و تفسیر نماید. وی در مورد شرح خویش می‌نویسد که سعی داشته الفاظ غریب و معانی عجیب آن را تبیین نموده و مسائل مشکل نهج البلاغه را با سهل‌ترین الفاظ شرح دهد. قطب راوندی سلسله سند روایت خود تا سید رضی را چنین بیان می‌کند: «اخبرنا السید ابوالصمصام ذوالفقار بن محمد بن معبد حسنی، قال: اخبرنا الشيخ ابو عبدالله محمد بن علی حلوانی، قال الرضی: اخبرنا الشيخ ابو جعفر محمد بن علی بن محسن حلبی، قال: اخبرنا الشيخ ابو جعفر الطوسی، قال السید الرضی رضی الله عنه وارضاه: اما بعد... و پس از آوردن هر خطبه، ذیل عنوان «بیانه» یا «الشرح» (و گاه نیز هر دو)، مفردات را یک به یک شرح می‌دهد و اصل معنا و محتوای کلام را می‌گشاید و نظایری از قرآن کریم می‌آورد؛ نظیر: «ثم قال (الذی لا یبلغ مدحته القائلون) اظهر العجز عن القيام بواجب مدائحه فکیف بمحامده... والبلوغ الوصول بل هو اعم، يقال بلغت المكان اذا اشرفت علیه و ان لم تدخله، قال الله تعالی (فاذا بلغن اجلهن فامسکوهن بمعروف)، و هذه مشارفه» (قطب‌الدین راوندی، ۱۳۸۷ق، ج ۱: ۲۳). همچنین در ذیل برخی خطبه‌ها با عبارات «و اما الروایة للخطبه» سلسله سند متن را نیز روشن می‌سازد. گاهی هم متن را بدون شرح وامی‌گذارد و فقط به نقل آن بسنده می‌کند و به شرح لغات و بیان معانی مفردات و جملات می‌پردازد. وی در بخش حکمت‌ها یا کلمات قصار، پس از آوردن مجموعه‌ای از حکمت‌ها به شرح مفردات آن‌ها می‌پردازد. در آخرین حکمت نهج البلاغه (اذا احتشم المؤمن اخاه فقد فارقه)، در شرح واژه «احتشم» چنین می‌نگارد: «و يقال حشمت الرجل و احتشمته و احتشمته بمعنی. و هو ای یجلس الیک، فوذیه و تغضبه، يقال احتشمت لفلان و احتشمته، ای تکلفت له» (همان، ج ۵: ۴۵۱) و در پایان کتاب، نکاتی را هم درباره کلمات غریب نهج البلاغه

می‌آورد و در آن مباحثی موجز در شرح این مفردات بیان مطرح می‌کند؛ نظیر: «قوله: الیاسر الفالج، هذا بعد کلام فی وصف اهل الآخرة الذین یعملون لها ثم شبّههم بالیاسرین و هم الذین یلعون بالمیسر و هو قمار العرب بالازلام.» در خاتمه کتاب هم یک بار دیگر اسناد نهج‌البلاغه را یادآور می‌شود و تصریح می‌کند که در آغاز کتاب، اسناد نهج‌البلاغه را از طریق خاصه آورده و اینک اسنادی دیگری از طریق عامه می‌آورد (همان: ۳۶۷).

شرح راوندی یکی از کهن‌ترین شروح ادبی کلامی بر نهج‌البلاغه است و ابن‌ابی‌الحدید به‌رغم انتقاداتی که به آن دارد می‌گوید: «کسی قبل از من تا آن اندازه که اطلاع دارم به تفسیر نهج‌البلاغه نپرداخته است به‌جز یک نفر و آن سعید بن هبة‌الله بن حسین معروف به قطب راوندی است» و آن را یگانه شرحی می‌داند که پیش از او بر این کتاب نوشته شده (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۵۹م، مقدمه: ۱۱). ناگفته نماند که سید هاشم بحرانی انتقادات ابن‌ابی‌الحدید به شرح قطب راوندی را در کتاب سلسل‌الحدید فی تفسیر ابن‌ابی‌الحدید پاسخ گفته است (بحرانی، ۱۴۳۰ق، ج ۱: ۹۰).

منهاج‌البراعه از مباحث فقهی، اخلاقی و تفسیری بی‌بهره نیست، اما مباحث ادبی و واژه‌شناسی آن بیش از دیگر موضوعات نمایان است. توضیح عبارات و مفردات خطب، با استناد به آیات قرآن و نیز تبیین برخی از متون نهج‌البلاغه با استفاده از احادیث، نظیر آنچه در شرح «و یحصی نعمائه العادون» آورده و در آن به روایتی از پیامبر (ص) اشاره می‌کند که حضرت فرمودند: «ان تعدوا نعمه الله لا تحصوها»، از دیگر وجوهی است که علاوه بر ایجاز‌گویی و اشاره به جنبه‌های بلاغی نهج‌البلاغه، این اثر فاخر را از دیگر شروح ممتاز می‌نماید (قطب‌الدین راوندی، ۱۳۶۴ش، ج ۱: ۲۶-۲۵).

##### ۵. ملا فتح‌الله کاشانی (۹۰۰-۹۸۸ق)

دوران حیات ملا فتح‌الله کاشانی، یعنی سال‌های حدود ۹۰۰ تا ۹۸۸ق، دوران مهمی از نظر دگرگونی تاریخ مذهبی ایران است. وی با سه پادشاه صفوی: شاه‌اسماعیل (۹۰۸ق)، شاه‌طهماسب (۹۸۴-۹۳۰ق) و شاه‌اسماعیل دوم (۹۸۵ق) معاصر بوده است (موسوی خوانساری، ۱۳۹۰، ج ۵: ۳۴۵). شاه‌اسماعیل در سال ۹۰۷ق در تبریز مراسم تاج‌گذاری را برگزار کرد و اولین شاه صفوی در ایران شد و نخستین اقدام او، رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع بود. این اقدام، شیعیان ایران را که صدها سال تحت فشار بودند خوشحال کرد. نخستین کسی که در این دوره به‌عنوان شیخ‌الاسلام (مقامی رسمی که بر اساس آن یکی از فقیهان، مسئول رسیدگی به مسائل مذهبی، افتا و حل دعاوی بر پایه فقه شیعه بوده است) مطرح شد، علی بن عبدالعال محقق کرکی (م ۹۴۰ق) است که استاد



علی بن حسن زواره‌ای و او استاد ملا فتح‌الله کاشانی است.

در عصری که ملا فتح‌الله زندگی می‌کرد، به دلیل رویکرد صفویان به گسترش مذهب تشیع، عالمان زیادی که معاصر ملا فتح‌الله و اهل کاشان بودند، فرصت رویش یافتند. برخی از این عالمان عبارت‌اند از: «ابراهیم کاشانی»، «سلطان احمد کاشانی»، «میر تقی‌الدین کاشانی»، «جعفر بن محمد باقر کاشانی»، «ملا حافظ کاشانی» (صاحب کتاب *أنیس التوابعین*)، «قاضی حبیب‌الله کاشانی»، «حسن بن شمس‌الدین کاشانی»، «حسن بن بهاء‌الدین (تاج‌الدین) قاسانی»، «حسین ملامسعود کاشانی»، «شمس‌الدین بن بهاء‌الدین کاشانی»، «صدرالدین علوان کاشانی»، «محمد بن محمد حسین شقایب کاشانی»، «یحیی عمادالدین کاشانی» و «علی (قاضی ضیاء‌الدین) کاشانی» (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۵، ۱۷، ۳۴، ۳۸، ۴۵، ۴۶، ۵۶، ۵۷، ۶۹، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۴۸، ۱۵۸ و ۲۷۵)، و نیز «علی بن کمال‌الدین حسینی کاشانی، غیاث‌الدین (حکیم)» (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۴: ۲۵۷)، و همچنین «شیخ محمد کاشانی» (حسینی اشکوری، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۵۱۷) و «جلال‌الدین مسعود بیدگلی» (نراقی، ۱۳۴۵: ۱۷۱).

صاحب *اعیان الشیعه* برای ملا فتح‌الله آثار متعددی را نام برده است نظیر: ۱. تفسیر *منهج الصادقین* کبیر؛ ۲. *مختصر منهج الصادقین به نام خلاصه المنهج*؛ ۳. *زیادة التفاسیر*؛ ۴. ترجمه قرآن؛ ۵. شرح *نهج البلاغه*؛ ۶. شرح *احتجاج طبرسی*؛ ۷. *تنبيه الغافلین و تذکرة العارفين*؛ ۸. *ملاذ الفقها*؛ ۹. *مادة التاريخ* (امین، ۱۴۰۳ق، ج ۸: ۳۹۳).

*تنبيه الغافلین و تذکرة العارفين*، از سه مقدمه مصحح، مترجم و مؤلف تشکیل یافته و در ادامه به ترتیب به شرح و ترجمه خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های *نهج البلاغه* پرداخته شده است. ملا فتح‌الله، متن عربی را به فارسی عصر خود برگردانده و احیاناً در پاره‌ای از موارد، از لغات غیر معمول استفاده کرده، و اگرچه سبک تحریر و ترجمه با روال نگارش این زمان چندان هماهنگ نیست و کتاب از صعوبت برخوردار است، کوشیده است تا با استفاده از شرایط سیاسی آن دوران و با توجه به نیاز جامعه شیعی ایران، به احیای معارف *نهج البلاغه* و شرح و توضیح آن پردازد و به شبهات موجود پاسخ دهد.

آقابزرگ تهرانی (۱۲۹۳-۱۳۸۹ق) تاریخ‌های مختلفی از درگذشت کاشانی نقل نموده و سپس تاریخ صحیح‌تر را همانند کتاب *کشف الحجب*، سال (۹۸۸ ق) می‌داند (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۳: ۱۹۴). برخی محل درگذشت او را کشمیر دانسته (شفیعی، ۱۳۴۹، ص ۱۳۲) و برخی دیگر بر این عقیده‌اند که درگذشت او در کشمیر صحیح نیست و مدرکی بر این ادعا وجود ندارد. مقبره او

در شهر کاشان و در خیابانی به نام ملا فتح‌الله معروف است و نام ملا فتح‌الله کاشانی با نام ملا فتح‌الله شیرازی که در هند از دنیا رفته، اشتباه گرفته شده است (ستار، ۱۳۸۸: ۱۸۶). این مقبره در کاشان معروف است و مورد زیارت عام و خاص است.

### ۶. شارحان و مترجمان غیرکاشانی نهج‌البلاغه (قرن‌های ۶-۱۰ ق)

#### ۱-۶. فرید خراسانی (۴۹۳-۵۶۵ق)

ظهیرالدین ابی‌الحسن علی بن زید انصاری اوسی بیهقی، ملقب به فرید خراسانی و ابن‌فندق، یکی دیگر از شارحان اولیه نهج‌البلاغه است که شرح وی با عنوان معارج نهج‌البلاغه به زبان عربی در سه جلد انتشار یافته است. فرید خراسانی کتاب معارج نهج‌البلاغه را که شرحی کوتاه و فشرده بر نهج‌البلاغه است، به سال (۵۵۲ق) تألیف کرده است. مؤلف خود را وامدار «وبری خوارزمی» می‌داند و حدود ۷۰ بند از شرح خود را از وبری نقل می‌کند و او را می‌ستاید (بیهقی، ۱۴۰۹ق: مقدمه).

#### ۲-۶. قطب‌الدین بیهقی کیدری (زنده در ۵۷۶ق)

همچنین، ابوالحسن محمد بن حسین بیهقی کیدری نیشابوری، مشهور به قطب‌الدین کیدری، کتاب حدائق الحقائق فی فسر دقائق أفصح الخلائق را در شرح نهج‌البلاغه نگاشته و آن را در اواخر شعبان سال ۵۷۶ ق به پایان رسانیده است. کیدری از شرح قطب‌الدین راوندی و فرید خراسانی در شرح خود بهره جسته است. وی از علمای قرن ششم بوده و در مشهد مقدس از عبدالله بن حمزه طوسی اجازه روایت گرفته است. بیهقی در این شرح، از شارحان قبل از خود هم استفاده کرده و اقوال آن‌ها را در شرح خود می‌آورد، او از شرح راوندی و بیهقی و وبری در شرح خود نقل کرده است.

#### ۳-۶. احمد بن محمد وبری خوارزمی (ق ۶)

شرح نهج‌البلاغه احمد بن محمد وبری خوارزمی نیز از دیگر شروحی است که برخی آن را اولین شرح دانسته‌اند. در این شرح، وبری مشکلات نهج‌البلاغه را فقط شرح نموده است. بیهقی از این شرح در معارج نهج‌البلاغه (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴: ۱۱۵) و قطب‌الدین کیدری در حدائق الحقائق و ابن‌عتایی در شرح خود بر نهج‌البلاغه نام برده‌اند (عطاردی قوچانی، ۱۳۷۳: ۱۸). وبری از متکلمان عصر خود بوده و موضوعات نهج‌البلاغه را از نظر کلامی مورد تحقیق قرار می‌دهد. وی معاصر ابوالحسن علی بن زید بیهقی شارح نهج‌البلاغه است و در کتاب معارج نهج‌البلاغه می‌گوید: «از کسانی که نام او را شنیده و کتاب و نوشته او

را دیده ولی خودش را تاکنون ندیده‌ام، امام احمد بن محمد وبری خوارزمی ملقب به شیخ جلیل می‌باشد؛ او مشکلات نهج البلاغه را شرح کرده و من در این کتاب از شرح او استفاده می‌کنم، و سخنان او را نقل می‌نمایم و او را می‌ستایم. علاوه بر بیهقی، قطب‌الدین کیدری و علی بن ناصر سرخسی هم در شرح خود بر نهج البلاغه سخنان او را نقل می‌کنند» (همان: ۱۳).

#### ۴-۶. علی بن ناصر حسینی سرخسی (ق ۷)

دانشمند شیعی قرن ششم و هفتم در نیشابور که لقبش صدرالدین و کنیه‌اش ابوالحسن و از جمله شارحان نهج البلاغه، به نام اعلام نهج البلاغه است و به تعبیر علامه تهرانی: «...و هو أقدم الشروح و الحواشی علیه و أوثقها و أتقنها و أخصرها» (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۲۳۹). اگرچه شرح حال وی در برخی منابع کهن ذکر شده، مطالب زیادی از زندگی وی در دسترس نیست و اغلب دانسته‌ها مربوط به آثار باقی‌مانده از وی است.

از کتاب شرح نهج البلاغه سرخسی، یک نسخه در کتابخانه «رضا» در رامپور هندوستان و نسخه دوم در کتابخانه مشهور ملی بنگال در کلکته است. در چند جای این نسخه‌ها سرخسی می‌گوید: «قال بعض الشارحین» و مقصود وی از بعض الشارحین، قطب‌الدین راوندی است و عین عبارت راوندی را از شرح نهج البلاغه او نقل می‌کند (عطاردی، ۱۳۷۳: ۱۸).

#### ۵-۶. عمر فخرالدین رازی (۵۴۳-۶۰۶ق)

فخرالدین رازی یکی دیگر از علمای اسلام است که از جمله آثار او شرح نهج البلاغه است. عطاردی قوچانی به نقل از زوزنی درباره وی می‌گوید: فخرالدین رازی شرحی بر نهج البلاغه نوشته بود که شهرزوری در تاریخ الحکما از آن یاد می‌کند. متأسفانه نسخه آن مفقود گردیده و در فهرست کتابخانه‌های عمومی و خصوصی در داخل و خارج ایران اثری از آن نیست (همان: ۲۰).

#### ۶-۶. حسن بن محمد صاغانی (م ۶۵۰ق)

صاغانی در سال ۵۷۷ق در لاهور، مرکز ایالت پنجاب پاکستان متولد شد و پس از تکمیل تحصیلات، رهسپار بغداد شد و در این شهر به مطالعه و تحقیق پرداخت و کتاب‌های زیادی در علم لغت و ادب تألیف کرد که یکی از آثار او شرح نهج البلاغه با عنوان تفویف النسخ فی شرح النهج است که در فهرست کتاب تحفة الأبرار ذکر شده و صاحب ریاض از آن نقل می‌کند (بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۷۳۰۲).

**۷۶. ابن‌ابی‌الحدید (م ۶۵۶ق)**

از جمله شرح‌های معروف، شرح *نهج‌البلاغه* ابن‌ابی‌الحدید است. این کتاب که بیست جزء دارد و در دوره‌های دو، چهار و بیست‌جلدی منتشر شده، شرحی تاریخی، ادبی و کلامی است که استفاده از منابع شیعی و سنی نیز از ویژگی‌های آن است (مهدوی دامغانی، ۱۳۷۹، مقدمه: هفت).

علامه محمدتقی شوشتی که خود از جمله شارحین نوآور *نهج‌البلاغه* است، درباره شرح ابن‌ابی‌الحدید می‌گوید: «گسترده‌ترین و استوارترین شرح *نهج‌البلاغه*، شرح ابن‌ابی‌الحدید است» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۹: ۵۷). شرح واژگانی و بیان مثال‌های عرب و مباحث ادبی و نکات بلاغی است که به‌وفور در آن یافت می‌شود، نسب‌شناسی و تباریابی اعلام و شخصیت‌ها و همچنین بیان گزارش‌ها و رویدادهای تاریخی، این شرح را از دیگر شروح ممتاز نموده است. وی در مقدمه شرحش خلافت ابابکر را قبول می‌کند ولی چنین عبارتی دارد: «الحمد لله الواحد العدل...، وقدّم المفضول علی الأفضل» (سپاس خدایی را که یگانه و عادل است...، و سپاس خدایی را که مفضول [ابوبکر] را بر افضل [علی(ع)] مقدم کرد) (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۵۹م، ج ۱: ۳).

استناد به آیات قرآن و در مواردی استفاده از اشعار شاعران عرب نیز از دیگر خصوصیات این شرح است؛ هرچند بنا بر عقیده علامه شوشتی، در برخی گزارش‌های آن افراط و تفریط مشاهده می‌شود (همان: ۵۷). همچنین در جلد بیست این شرح حدود هزار عبارت تحت عنوان «الحکم المنسوبه» نقل شده که به گفته ابن‌ابی‌الحدید از بیانات علی(ع) است که در میان مردم شهرت یافته؛ اما از آنجاکه این جملات در *نهج‌البلاغه* نیست، نمی‌توان به آن‌ها اعتماد کرد (غلامعلی، ۱۴۰۰: ۱۱۶).

**۸۶. علی بن میثم بحرانی (۶۳۶-۶۸۹ق)**

پس از شرح ابن‌ابی‌الحدید، در سده هفتم، *مصباح‌السالکین*، معروف‌ترین شرح *نهج‌البلاغه* است، که فقیه و متکلم برجسته شیعی، کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی آن را نگاشته است. این شرح که جنبه فلسفی عرفانی دارد، در پنج جلد و با مقدمه‌ای مفصل تنظیم شده است. خواجه نصیرالدین طوسی معاصر ابن‌میثم بوده و میان آن‌ها رابطه شاگردی و استادی وجود داشته است. وی این شرح را تلخیص نمود و آن را *اختیار مصباح‌السالکین* نامید و به «عظام‌الک جوینی» وزیر معروف هدیه کرد (بروجردی، ۱۳۸۰: ۱۲۹). وی همچنین در کتابی دیگر با عنوان *شرح المائة کلمة یا منهج العارفين* به شرح صد کلمه یا حکمت از سخنان علی(ع) با نگاهی عارفانه پرداخته است (رصافی،

۱۳۸۶ش: ۱۲۹). ابن میثم چند شرح بر نهج البلاغه نوشته که به شرح کبیر و متوسط و صغیر معروف‌اند. وی همچنین به سایر شرح‌های قبل از خود، با نقل کلمات آنان نظر داشته و به نقد اقوال ادبی گذشته اشاره می‌کند و به تأیید اقوال یا تضعیف آنان می‌پردازد (بحرانی، ۱۳۷۹، ج ۱: مقدمه).

به‌رغم وجوه مشترکی که این شرح با سایر شروح دارد، مهم‌ترین ویژگی منحصر به فرد آن، صبغه فلسفی و کلامی آن است. البته این ویژگی به دلیل تحت‌الشعاع قرار گرفتن سایر موضوعات، مورد نقد برخی دیگر از شارحان قرار گرفته است. کثرت استناد به روایات غیرشیعی و ضعف استفاده از منابع روایی شیعی نیز نقد دیگری است که بر این شرح مطرح گردیده و در مباحث ادبی نیز نقدهایی به این شرح وارد شده است.

#### ۹-۶. علامه حلی (م ۷۲۶ق)

علامه جمال‌الدین ابومنصور حسن بن یوسف بن مطهر حلی ملقب به علامه حلی، از دیگر عالمان برجسته شیعی است که در قرن هشتم شرحی بر نهج البلاغه نگاشته است. علامه در کتاب خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال در ضمن بیان آثارش به کتاب مختصر نهج البلاغه اشاره کرده است (علامه حلی، ۱۴۰۲ق، ج ۱: ۴۷). آقابزرگ تهرانی می‌گوید: علامه حلی در بعضی از نسخ نام کتاب مختصر نهج البلاغه را با عنوان الخلاصة و در بعضی دیگر از نسخ با عنوان مختصر شرح نهج البلاغه آورده و از قول صاحب کشف الحجب نقل نموده که علامه در مختصر نهج البلاغه، شرح ابن میثم را تلخیص کرده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴: ۱۲۴).

#### ۱۰-۶. یحیی بن حمزه (۶۶۹-۷۴۹ق)

کتاب الدیباج الوضی فی الکشف عن اسرار کلام الوضی از دیگر شروحی است که در قرن هشتم توسط یحیی بن حمزه علی‌الحسینی نگاشته شده است. وی به شرح نهج البلاغه شریف علی بن ناصر حسینی، موسوم به اعلام نهج البلاغه نظر داشته و گاه به نقد گفتارها و آرای این شارح کوشیده است. جایگاه الدیباج الوضی در میان شروح ادبی قرار دارد؛ چنان‌که گویی ادیبی به شرح نهج البلاغه پرداخته است. شیوه او چنین است که عبارات نهج البلاغه را در بخش‌های خرد خرد - و حتی یک کلمه‌ای - تقطیع کرده و توضیح می‌دهد. الدیباج الوضی را خالد بن قاسم بن محمد المتوکل، تحت اشراف پژوهنده نامی میراث زیدیه، عبدالسلام بن عباس الوجیه پژوهش کرده و در سه جلد در سال ۱۴۲۴ق توسط مؤسسه زید بن علی الثقافه آماده نشر ساخته است. پایه این پژوهش، دو دست‌نوشته از الدیباج الوضی بوده است. یک دست‌نوشته نیز به‌عنوان منبع کمکی



مورد استفاده قرار گرفته است (جهان‌بخش، ۱۳۸۵: ۱۷۹-۱۸۸).

#### ۱۱-۶. ابن عتایقی (م بعد از ۷۸۸ق)

از دیگر شارحان بنام شیعی *نهج‌البلاغه*، کمال‌الدین عبدالرحمن بن محمد بن ابراهیم عتایقی حلی مشهور به «ابن عتایقی» در قرن هشتم است. شرح ابن عتایقی یکی از شروح معتبر *نهج‌البلاغه* است. این شرح در چهار جلد تألیف گردیده و جلد سوم آن در سال ۷۸۶ق به پایان رسیده است. عتایقی شرحش را از سه شرح ابن ابی‌الحدید، ابن میثم و قطب‌الدین کیدری گزینش نموده و در مواردی هم نظرات ابن ابی‌الحدید را نقد کرده است. از جلد دوم و چهارم تاکنون نسخه‌ای شناسایی نشده و تنها جلد اول و سوم آن باقی مانده که توسط بنیاد *نهج‌البلاغه* در حال انتشار است (سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۷۸: ۹۸-۹۷). مؤلف *ریاض‌العلماء* می‌گوید: من نسخه‌ای از جلد سوم شرح ابن عتایقی را در اصفهان دیدم و این نسخه در سال ۷۸۶ق تحریر شده بود (افندی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۱۰۶).

#### ۱۲-۶. مسعود بن عمر تفتازانی (م ۷۹۲ق)

*دانشنامه جهان اسلام*، شرح *نهج‌البلاغه* سعدالدین مسعود بن عمر تفتازانی را در زمره کتاب‌های تفتازانی آورده است. تفتازانی که از دهکده تفتازان در شمال غربی شیروان واقع در خراسان شمالی است، در خوارزم به تحصیل پرداخت و کتاب معروف *مطول* از جمله آثار اوست. تفتازانی در سال ۷۹۲ق در شهر سرخس درگذشت و آثاری از علم و ادب از خود به جای گذاشت (حدادعادل، ۱۳۶۲، ج ۱: ۳۶۷۰).

#### ۱۳-۶. الهی اردبیلی (م ۹۵۰ق)

کمال‌الدین حسین بن شرف‌الدین عبدالحق اردبیلی متخلص به الهی اردبیلی، در قرن دهم، چهار اثر درباره *نهج‌البلاغه* تألیف نموده است (سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۷۸: ۱۳۲) که عبارت‌اند از:

۱. *منهج الفصاحه فی شرح نهج‌البلاغه* (شرح کبیر) که آن را تقدیم شاه‌اسماعیل صفوی نمود.

۲. بعد از نگارش شرح کبیر، *منهج الفصاحه* یا *منتخب منهج الفصاحه* را تلخیص کرد و به شاه‌طهماسب صفوی تقدیم نمود.

۳. ترجمه فارسی *نهج‌البلاغه* که اولین ترجمه روان فارسی از *نهج‌البلاغه* است.

۴. *منهج الفصاحه* که شرح و ترجمه استعارات و کنایات *نهج‌البلاغه* است و الهی اردبیلی این



رساله را به درخواست صفار مشهدی طوسی نگاشته و هم‌اکنون نسخه‌ای از بخش آغازین این کتاب در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود (بروجردی، ۱۳۸۰: ۱۳۰).

### ۷. نتیجه سخن

شهر کاشان به دلیل داشتن عالمان فاخری چون سید ابوالرضا فضل‌الله راوندی، قطب‌الدین راوندی و ملا فتح‌الله کاشانی در حوزه نهج‌البلاغه، به‌ویژه در قرن‌های ششم تا دهم، به‌رغم محدودیت‌های سیاسی، نقش چشمگیری داشته است. چنانچه توضیحات کوتاه و اغلب لغوی وی در لابه‌لای سطور را شرح مستقلی بدانیم، بی‌گمان شرح نهج‌البلاغه ابوالرضا راوندی در قرن ششم، نخستین شرح نهج‌البلاغه است و مستند سایر شروح بوده است. همچنین منهاج البراعه قطب راوندی نیز در همان قرن، در انتقال اندیشه‌های کلامی شیعی و در بسط و ترویج آموزه‌های حکمی، ادبی و بلاغی نهج‌البلاغه همواره الهام‌بخش دیگر شروح بوده است. سید فضل‌الله راوندی و قطب‌الدین راوندی جزو اولین کسانی هستند که به‌رغم مشکلات سیاسی دوران معاصر خویش به‌عنوان نخستین مترجمان نهج‌البلاغه شهرت یافته‌اند.

بنیان شرح‌نویسی که پایه‌های آن توسط سید فضل‌الله راوندی و قطب‌الدین راوندی در قرن ششم نهاده شد، در همان قرن توسط شارحان برجسته‌ای نظیر بیهقی کیدری، ویری خوارزمی، فخرالدین رازی، صاغانی، ابن‌ابی‌الحدید، ابن‌میثم بحرانی و در قرن هفتم، علامه حلی، تفتازانی، ابن‌عتایقی، الهی اردبیلی و همچنین ملا فتح‌الله کاشانی و در قرن دهم با اثر فاخر تنبیه الغافلین و تذکره العارفین به‌عنوان یکی از نخستین شرح‌های فارسی نگاشته بر نهج‌البلاغه ادامه یافته است. از آنجاکه شرح‌نویسی همواره نقش بسزایی در شکوفایی تمدن اسلامی داشته است، ملا فتح‌الله در این شرح کوشیده است تا با استفاده از شرایط سیاسی آن دوران که عصر رونق تشیع بود، به شبهات موجود پاسخ دهد و به احیای معارف نهج‌البلاغه و شرح و بسط آن پردازد.

### منابع

قرآن کریم.

آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن. (۱۴۰۸ق). الذریعة إلى تصانیف الشیعة (علینقی منزوی، محقق).

قم: اسماعیلیان.

اقبالی، عباس. (۱۳۸۴). سید ابوالرضا راوندی کاشانی عربی‌سرا. کاشان‌شناسی، شماره ۲، ۱۸۱.

ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید. (۱۹۵۹م). شرح نهج‌البلاغه. قم: کتابخانه آیت‌الله نجفی مرعشی.

- افندی، عبدالله. (۱۴۱۵ق). *رياض العلماء و حياض الفضلاء*. قم: کتابخانه آیت‌الله نجفی مرعشی.
- امین، سید محسن. (۱۴۲۱ق). *أعيان الشيعة* (حسن امین، محقق). بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- پاک‌نیا، عبدالکریم. (۱۳۷۹). نگاهی به ترجمه‌های فارسی نهج‌البلاغه. نشریه فرهنگ کوثر، شماره ۴۶، ۷۶-۸۰.
- بحرانی، سید هاشم. (۱۴۳۰ق). *سلاسل الحديد فی تقييد ابن ابی الحديد* (محمد عیسی آل مکباس، محقق). بیروت: دارالمحجة البيضاء.
- بحرانی، میثم بن علی. (۱۳۷۹ق). *شرح نهج‌البلاغه*. تهران: نشرالکتاب.
- بروجردی، مصطفی. (۱۳۸۰ش). نگاهی به شرح‌های نهج‌البلاغه. فصلنامه قیسات، شماره ۱۹، ۱۲۶-۱۳۷.
- حداد عادل، غلامعلی. (۱۳۶۲ش). *دانشنامه جهان اسلام*، تهران: انتشارات بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی.
- بیهقی، علی بن زید. (۱۴۰۹ق). *معارج نهج‌البلاغه* (محمد تقی دانش‌پژوه، محقق). قم: ناشر کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی (ره).
- جزینی درجه، رسول. (۱۴۰۰ش). کاوشی درباره سید ابوالفضل راوندی و روایت کتاب *الصالح فی اللغة*. آینه پژوهش، شماره ۱۹۱، ۲۱۷-۲۵۱.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۷۹ش). *آشنایی با نهج‌البلاغه*. بی‌جا: انتشارات مؤسسه فرهنگی آیه حیات.
- جهان‌بخش، جويا. (۱۳۸۵ش). *الديباج الوضی، شرحی بر نهج‌البلاغه از نیمه نخست سده هشتم*. سینه، شماره ۱۰، ۱۷۹-۱۸۸.
- حاجیان حسین‌آبادی، رضا. (۱۳۹۴). «روش‌شناسی منهاج البراعه قطب راوندی»، *پژوهشنامه نهج‌البلاغه*، ۳ (۱۰)، ۱۲۳-۱۴۸.
- حسینی اشکوری، سید احمد. (۱۴۱۴ق). *تراجم الرجال*. قم: کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
- دانش‌پژوه، محمد تقی. (۱۳۵۳ش). *فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.



مترجمان و شارحان کاشانی نهج البلاغه (سدهای ششم تا دهم هجری)، مرتضی امامی

10.22052/KASHAN.2023.252507.1075

دیبری نژاد، بدیع الله. (۱۳۸۴ش). سلاجقه و گسترش ادب فارسی. نشریه چشم‌انداز، ارتباطات فرهنگی، شماره ۱۷، ۵۷-۶۰.

رصافی، محمد. (۱۳۸۶ش). ابن میثم و شرح نهج البلاغه. میثاق امین (فصلنامه پژوهشی اقوام و مذاهب)، شماره ۴، ۱۲۹-۱۶۳.

زیدان، جرجی. (۱۳۸۴ش). تاریخ تمدن اسلام (علی جواهر کلام، مترجم). تهران: امیرکبیر. سازمان اوقاف و امور خیریه. (۱۳۷۸ش). ابن عتایقی. مجله وقف میراث جاویدان (ویژه نهج البلاغه)، شماره ۲۵ و ۲۶، ۹۷-۹۸.

ستار، حسین. (۱۳۸۸ش). پژوهشی در زندگی و آثار ملا فتح الله کاشانی. مجله کاشان‌شناسی، ۴ (۱)، ۱۸۱-۲۱۲.

سمعانی، عبدالکریم. (۱۳۸۲ق). الأنساب (عبدالرحمن المعلمی الیمانی، محقق). حیدرآباد: مجلس دائرةالمعارف العثمانیه.

شفیعی، محمد. (۱۳۴۹ش). مفسران شیعه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

عطاردی قوچانی، عزیزالله. (۱۳۷۳ش). علمای خراسان و نهج البلاغه. تهران: انتشارات عطارد. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۰۲ق). رجال العلامة الحلی (محمدصادق بحرالعلوم، مصحح). قم: انتشارات الشریف الرضی.

علامه مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار (سید ابراهیم میانجی و محمدباقر بهبودی، محققان). بیروت: دارالاحیاء التراث.

غلامعلی، احمد. (۱۴۰۰ش). شناخت‌نامه نهج البلاغه. تهران: انتشارات سمت.

قاسم‌پور، محسن، و سلامی، محمد. (۱۳۹۸ش). نقش سید ابوالرضا راوندی در گسترش میراث حدیثی شیعه. دوفصلنامه علمی کاشان‌شناسی، شماره ۱۴ (پیاپی ۲۲)، ۵۵-۸۰.

<https://doi.org/10.22052/1.14.55>

قاسم‌پور، محسن. (۱۳۸۴). قطب راوندی و شرح نهج البلاغه. دوفصلنامه علمی کاشان‌شناسی، شماره ۱، ۱۰۳-۱۱۵.

قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة الله. (۱۳۶۴ش). منهج البراعة فی شرح نهج البلاغه. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

قطب‌الدین راوندی. (۱۳۸۷ق). شرح نهج البلاغه. قم: نشر مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان. کاشانی، حبیب الله، و کاشانی، ابوالقاسم. (۱۳۷۸ش). لباب الألقاب فی القاب الأقطاب. تهران:

نشر کتاب‌فروشی بوذرجمهری مصطفوی.

کسری دهکردی، فرشته، و بهارزاده، پروین. (۱۳۹۵ش). تنوع گونه‌های حدیث‌نگاری نزد

ایرانیان قرن ششم. دوفصلنامه حدیث‌پژوهی ۸ (۱۵)، ۱۴۳-۱۷۶.

محدث نوری، حسین. (۱۴۰۸ق). *خاتمه مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث.

مدرس تبریزی، محمدعلی. (۱۳۶۹ش). *ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب*. تهران: کتاب‌فروشی خیام.

مسعودی خمینی، عبدالهادی. (۱۳۹۱ش). *در پرتو حدیث*. قم: دارالحدیث.

موسوی، سید حمید، و مردانی، مهدی. (۱۳۹۷). روش واژه‌شناسی قطب‌الدین راوندی در شرح نهج‌البلاغه. *پژوهشنامه علوی*، ۹ (۱۷)، ۹۸-۸۱.

موسوی خوانساری، محمدباقر. (۱۳۹۰ش). *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*. قم: اسماعیلیان.

مهدوی دامغانی، محمود. (۱۳۷۹ش). *جلوه تاریخ در شرح نهج‌البلاغه*. تهران: نشر نی.

نراقی، حسن. (۱۳۴۵ش). *تاریخ اجتماعی کاشان*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.

نقیسی، سعید، راستکار، فخری، و حائری، عبدالحسین. (۱۳۹۰ش). *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی*. تهران: انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

## References

- The Holy Quran. [In Persian].
- Aghabozur Tehrani, M. M. (1987). *AH Al-Dhariyyah to Al-Shiya's works*. Researcher: Alineqi Manzavi. Qom: Ismailian. [In Persian].
- Alama Hali, H. (1981). *AH Rijal al-Allamah al-Hali*. Proofreader: Mohammad Sadiq Bahr al-Uloom. Qom: Al-Sharif al-Radhi Publications. [In Persian].
- Alama Majlisi, M. B. (1982). *AH, Bihar al-Anwar*. Researcher: Seyyed Ibrahim Mianji, Mohammad Bagharboodi. Beirut: Daralahiya al-Tarath. [In Persian].
- Amin, M. (2000). *A.H. Ayan al-Shi'a*. Research: Hassan Amin. Beirut: Dar al-Taraif for the press. [In Persian].
- Atardi Guchani, A. (1994). *Scholars of Khorasan and Nahj al-Balagheh*. Tehran: Atard Publications. [In Persian].
- Awqaf and charity organization. (1999). Ibn Ataighi. *Waqf Magazine of Eternal Legacy* (Special Nahj al-Balagha): No. 25 and 26, pp. 97-98. [In Persian].
- Aya Hayat Foundation, a group of writers. 2000. *Getting to know Nahj al-Balagha*. Ayah Hayat cultural institution publications. [In Persian].



- Bahrani, M. (2000). *A.H. Description of Nahj al-Balagha*. Second edition. Tehran: Neshar al-Katab. [In Persian].
- Bahrani, H. (2008). *The chains of al-Hadid in Ibn Abi al-Hadid's taqeed*. Researcher: Mohammad Isa al-Maqbas. Beirut: Dar al-Mahjah al-Bada. [In Persian].
- Beyhaqi, A. (1988). *AH Ma'araj Nahj al-Balagha*. Researcher: Mohammad Taghi, scholar. First edition. Qom: Publisher of Ayatollah Marashi Najafi Public Library. [In Persian].
- Boroujerdi, M. (2001). A look at the descriptions of Nahj al-Balagheh. *Qobsat Quarterly*. No. 19. pp. 126-137. [In Persian].
- Daneshpazhuh, M. T. (1974). *Sh. List of microfilms of Tehran University Central Library*. First edition. Tehran: Tehran University Press. [In Persian].
- Debiri-Najad, B. (2004). Selajqah and the expansion of Persian literature, Chashmaz Publishing House. *Cultural Communications*, No. 17, pp. 57-60. [In Persian].
- Effendi, A. (1994). *A.H. Riaz al-Ulama and Hayaz al-Fazla*. Qom: Ayatollah Najafi Marashi Library. [In Persian].
- Gholam Ali, A. (2021). *AD, Nahj al-Balagha identification*. Tehran: Samit Publications. 8th edition. [In Persian].
- Hosseini Ashkouri, A. (1993). *AH Translations of al-Rijal*. Qom: Ayatollah al-Azami Murashi Najafi library. [In Persian].
- Ibn Abi al-Hadid, A. (1959). *Description of Nahj al-Balagha*. Qom: Ayatollah Najafi Marashi Library. [In Persian].
- Islamic Encyclopedia Foundation. (1983). *Islamic world encyclopedia*. Tehran: Islamic Encyclopaedia Foundation Publications. [In Persian].
- Jahan Bakhsh, J. (2005). Al-Dibaj Al-Wadhi, Commentary on Nahj al-Balagha from the first half of the 8th century. *Safina*, No. 10, pp. 179-188. [In Persian].
- Kashani, H., & Kashani, A. (1999). *Labab-al-Aqab in Al-Qab-Al-Atyab*. Tehran: Bozarjamohri Mostafavi Publishing House. [In Persian].
- Kasri Dehkordi, F., & Baharzadeh, P. (2015). The variety of types of hadith writing among Iranians of the 6th century. *Hadith Research Journal*, 8 (15), pp. 176-143. [In Persian].
- Mahdavi Damghani, M. (2000). *The progress of history in the description of Nahj al-Balagha*. Tehran: Nei Publishing. [In Persian].
- Masoudi Khomeini, A. (2012). *In the light of hadith*. Qom: Dar al-Hadith. [In Persian].
- Modarrese Tabrizi, M. A. (1990). *Rehana Al-Adab in the translations of the well-known Balkaniye O Al-Laqb*. Tehran: Khayyam bookstore. [In Persian].
- Mohd Nouri, H. (1987). *AH Khatama Mustardak Al-Wasail*. Qom: Al-Al-Bayt Foundation for Revival of Tradition. [In Persian].
- Mousavi Khansari, M. B. (2011). *Ruzat al-Jannat fi ahval al-Ulama wa al-Sadat*. Qom: Ismailian. [In Persian].
- Nafisi, S., Rastkar, F., Haeri, A. (2011). *List of manuscripts of the Islamic Parliament Library*. Tehran: Publications of the Islamic Parliament Library. [In Persian].
- Naraghi, H. (1966). *Social History of Kashan*. Tehran: Institute of Social Studies and Research. [In Persian].
- Paknia, A. (1959). A look at the Persian translations of Nahj al-Balagha. *Farhang Kausar*, No. 46, pp. 76-80. [In Persian].

- 10.22052/KASHAN.2023.252507.1075
- Qasempour, M. & Salami, M. (2018). Seyyed Abulreza Rawandi's role in the expansion of the Shia hadith heritage. *Journal of Kashan Science*, No. 14 (22 consecutive), pp. 55-80. <https://doi.org/10.22052/1.14.55>. [In Persian].
- Qasimpour, M. (2004). Qutb Rawandi and Narration of Nahj-ul-Balagha. *Journal of Kashan Science*, No. 1, pp. 103-115. [In Persian].
- Qutbuddin Ravandi, S. (1985). *Minhaj-al-Bara'a fi Sharh Nahj-al-Balagha*. Qom: Ayatollah Murashi Najafi Library. [In Persian].
- Qutbuddin Rawandi. (2008). *AH, Description of Nahj al-Balagha*. Qom: Tebyan Cultural and Information Foundation Publishing. [In Persian].
- Rasafi, M. (2016). Ibn Maitham and the description of Nahj al-Balagheh. *Mithaq Amin* (Research Quarterly of Ethnicities and Religions), No. 4, pp. 129-163. [In Persian].
- Samani, A. (2003). *AH, Al-Ansab*. Researcher: Abdur Rahman. Hyderabad: Majlis of the Islamic Encyclopedia. [In Persian].
- Sattar, H. (2008). A research on the life and works of Mullah Fethullah Kashani. *Kashan Studies Magazine*, 4 (1), pp. 212-181. [In Persian].
- Shafii, M. (1970). *Shia commentators*. Tehran: Tehran University Press. [In Persian].
- Zidane, G. (2004). *History of Islamic Civilization*. Translated by Ali Javaher Kalam. Tehran: Amir Kabir. [In Persian].



## Translators and commentators of Nahj al-Balagha in Kashan from the 6th to the 10th Centuries of Hijri

**Morteza Emami**

Assistant Professor of the Islamic Studies Department, University of Kashan,  
Kashan, Iran, emami@kashanu.ac.ir

Received: 09/02/2023

Accepted: 06/06/2023

### Introduction

The tradition of translating and commenting on authentic religious texts has been common since ancient times. Commentary on Nahj al-Balagha has also had a special place. Researchers have considered the 6th century as the period of Shi'ite scientific stagnation. But in the same century, commentaries on Nahj al-Balagha increased due to these goals: a) the protection of Shi'ite heritage, b) an explanation of difficult words, c) the description of theological and philosophical foundations, d) the explanation of historical events, e) an emphasis on literary and rhetorical points, f) the expansion of spirituality, g) a criticism of previous commentators, h) a documentary review of narrations. From the sixth to the tenth centuries, the region of Kashan was an important area in the development and promotion of Nahj al-Balagha education. Scholars such as Seyed Abu al-Reza Ziauddin, Fazlullah Hosseini Ravandi, Qutb al-Din Ravandi, and Mullah Fatahullah Kashani were of among them. Seyed Fazlullah Rawandi and Qutb al-Din Rawandi were among the first people who became well-know for their first translations of Nahj al-Balagha. Abu al-Reza Ravandi's commentary on Nahj al-Balagha in the sixth century is the first commentary on Nahj al-Balagha. Qutb Ravandi's book, *Minhaj al-Bara'ah*, from the same century and Mullah Fathollah Kashani's book from the 10th century were other documents explaining Nahj al-Balagha in other centuries. Qutb Rawandi's *Minhaj al-Bara'ah* was used by other commentators in the transmission of Shi'ite theological ideas and in the development and promotion of wisdom. Mullah Fathullah Kashani also wrote the first Persian commentary on Nahj al-Balagha, which played a great role in the flourishing of Islamic civilization.

### Materials and Methods

This article examines the works and biographies of the translators and commentators of Nahj al-Balagha with a descriptive and analytical approach. A comparative study was done with the a descriptive method focusing on works from the 6th to the 10th centuries of Hijri with an emphasis on commentators from Kashan. For this purpose, the sources and old manuscripts available in the library of Ayatollah Murashi Najafi were used. Also, manuscript sources included two

books from Ibn Belko from Astan Quds Razavi library. A copy from Ibn Nazwayh Qomi who wrote a copy of Sheikh Tusi's *al-Istbasar* in 569 was also used. The second version of Nahj al-Balagha by Abu al-Reza, which contained additional different parts was also used. The works of famous scholars, considered among the pioneers and wrote commentaries on Nahj al-Balagha in the 6th to 10th centuries of Hijri were used. The Qazi Abdul Jabbar Mu'tazili (415-359 AH), Seyed Fazlullah Rawandi (570 AH), Qutb al-Din Ravandi (573 AH), Ibn Abi Al-Hadid (586-656 AH), Ibn Maithamse books included those by Bahrani (636 - 699 AH), Alama Hali (648-726 AH), and Mullah Fathullah Kashani (988 AH). It also used books by the later writers who wrote descriptions or lists on Nahj al-Balagha such as: Seyed Habib-Allah Khoi (1324 AH), Mullasaleh Qazvini (1271 AH), Muhammad Abdo (1323 AH), and Muhammad Hassan Nael Mirsafi (1935 AH). By analyzing and comparing these sources, the method to validate the first Nahj al-Balagha by scholars in Kashan from the sixth the to tenth centuries was obtained.

### Results and Findings

The results and findings of this article were: a) the first description of Nahj al-Balaghah [according to the brief descriptions on the lines] belonged to Ab al-Reza Fazlullah Kashani; b) commentaries of Qutb Rawandi and Mullah Fathullah Kashani had significant role in the development and promotion of religious, literary, and rhetorical doctrines from the sixth to the tenth centuries.

### Conclusion

Commentary has always played a great role in the flourishing of Islamic civilization. Kashan has played a significant role in Nahj al-Balagheh due to great scholars such as Seyyed Abu al-Reza Fazlullah Rawandi, Qutb al-Din Ravandi, and Mullah Fatehullah Kashani. From the 6th to the 10th centuries, despite the political restrictions, the city of Kashan was an important domain in the development and promotion of Nahj al-Balagha education. Abu al-Reza Ravandi's description of Nahj al-Balagha in the sixth century is the first description of Nahj al-Balagha because his short explanations at the end of the lines were descriptions. Qutb al-Din Ravandi's *Minhaj al-Bara'ah* was the focus of other commentaries in the transmission of Shi'te theological ideas in the sixth century. Seyed Fazlullah Rawandi and Qutb Rawandi are known as the first translators of Nahj al-Balagha. The foundations of commentary were laid by Seyed Fazlullah Rawandi and Qutb Rawandi in the sixth century. In the 6th century, there were prominent commentators of Nahj al-Balagha. Beyhaqi Kidari, Webari Khwarazmi, Fakhr al-Din Razi, Saghani, Ibn Abi Al Hadid, Ibn Maitham Bahrani; the commentors in the seventh century included Allameh Hali, Taftazani, Ibn Ataqi, Elahi Ardabili. In the 10th century, the valuable book *Tanbiyyah al-Ghaflin wa Tazkirah al-Arifin* was written by Mullah Fatullah Kashani as the first Persian explanation of Nahj al-Balagha. Mullah Fathullah Kashani tried not only to spread the knowledge of Nahj al-Balagha in his description but also to develop it using the political conditions of his time.

**Keywords:** Nahj al-Balagha, commentators and translators of Kashan, Seyed Fazlullah Rawandi, Qutb Rawandi, Molfatullah Kashani.